

اظهار نظر

درباره اظهارات آقای دکتر یوسف اباذری

امیرفیض- حقوقدان

نقد اظهارات آقای دکتر یوسف اباذری که در ایمیل جاوید ایران پیاده شده است، در مسیر این تحریر قرار دارد.

باک سازی اظهارات

این تحریرمقید است به پاکسازی اظهارات آقای دکتر یوسف اباذری از احتیاط های لازم که سبب گردیده اظهارات ایشان از پاکیزگی لازم برخوردار نباشد.

بنابراین، نقد حاضر را باید به حساب تانید مطالبی دانست که احتیاط های لازم امکان طرح آنرا به آقای اباذری نداده است.

واما بعد

تصور این تحریر بر این است که ایشان بر محور مقایسه بین ملت و یا جامعه ایرانی با ملت و یا جوامع کشورهای دیگر از جمله اعراب به نتایج دست یافته که زیربنای لایحه ایشان را شکل داده است.

تصور دیگر این تحریر بر این مبناست که نمیتوان از محور مقایسه بین دو ملت و یا دو کشور و یا دو جامعه بنتیجه مطلوب رسید؛ زیرا اجزائی که در حالت تراکم و پیوستگی ملت و یا جوامع انسانی و یا کشورها را تشکیل میدهند بکل باهم متفاوت اند و وقتی جزء متفاوت بود کل هم درحالی قرار میگیرد که نمیتواند در کفه مقایسه و برابری قرار گیرد. **یکی از ارکان ملت، فرهنگ و عادات و رسوم و تاریخ امثال آنهاست که نه تنها در ملت ها متفاوت است بلکه حتی در اقوام و در مناطق مختلف یک کشور و یک ملت هم متفاوت است.**

حالت درست مقایسه

اگر نمیتوان ملت ها و یا کشورها را باهم مقایسه کرد ولی میتوان مراحل تکوینی یک ملت را مورد مقایسه قرارداد مثلا گفت ملت ایران قبل از شورش ۵۷ دارای چه عادات و باورهای بوده و حالیه از چه عادات و باورهای تبعیت میکند و یا جامعه ایران در قبل از شورش ۵۷ دارای چه دستاوردهایی بوده و اکنون چه امکاناتی دارد و یا وضع آموزش و پرورش، بهداشت، امنیت، بازار کار و رفاه و امثال آنها که همه از اجزای تشکیل دهنده اجتماع ملی ایرانیان است؛ در ترازوی قیاس و مقایسه قرار گیرد.

از جامعه شناسی، که نویسنده لایحه متبهران معرفی شده چنین تعریف گردیده که <جامعه شناسی علم مطالعه و واقعیات و وقایع جامعه است> اجرای این تعریف همینکه از محدوده زمان محدود خارج شد حالت مقایسه را با خود همراه میسازد، و این همان کاری است که نویسنده محترم لایحه به آن پرداخته است،

منتها احتیاط لازم سبب گردیده که محدوده آنرا فقط به امور هواپیمائی محدود سازد و از بقیه مسائل که از جزئیات تشکیل دهند رکن جامعه شناسی است طفره بروند.

واژه مـا و ملت

در اظهارات مورد نقد، واژه <ما> که به دفعات مورد استفاده قرار گرفته محمول است بر تمام مردم ایران از عصر نخست تاکنون و نیز از زمان موجودیت ایران تا به امروز و این ضابطه با موضوعات متمرکزی که در لایحه ایشان مبنای مقایسه قرار گرفته است ناهماهنگ است، از باب مثال در لایحه ایشان موضوع هواپیماهای مسافری و وضع ناگوار کنونی آن مطرح شده است؛ این موضوعی نیست که بر همه ایرانیان از زمان موجودیت ایران تاکنون تعلق یابد و یا از ارکان و قائمه های مقایسه بین هواپیمائی ایران امروز با گذشته به حساب بیاید. زمان محدود در این مقایسه، زمان قبل از شورش ۵۷ و بعد از شورش است که صاحب نظریه، به دلایل محظورات و لزوم رعایت احتیاط ها نخواست و وارد این مقوله مهم و اساسی شود و همین خودداری و یا احتیاط ایشان است که این تحریر را مجاز میدارد که به کمبود ها و ناگفته ها پوششی دیدنی بدهد.

امور هواپیمائی در مقراض با زبانی

همانطور که به اشاره رفت در لایحه آقای دکتر اباذری تنها به موضوع هواپیمائی اشاره مستقیم شده است و از بقیه مسائل که در مقابل مسئله هواپیمائی کوهی از عظمت دارد به ایما و اشاره گذر شده است و لذا این تحریر هم نخست همان مسئله مورد طرح در لایحه آقای اباذری را مورد بحث قرار میدهد.

مقایسه

تابوت های برنده

لایحه مورد نقد، به درستی توأم با کاستی زیاد، وضع هواپیمائی امروز ایران را به اشاره بیان کرده است؛ ولی از این اشاره لازم حذر کرده که به علت افول و سقوط هواپیما های جمهوری اسلامی، به هواپیماهای مشغول بکار جمهوری اسلامی عنوان تابوت های برنده داده شده است زیرا:

۱. تنها از سال ۲۰۰۹ تاکنون در نتیجه ۹ حادثه هوایی صدها مسافر جان خود را از دست داده اند.
۲. در حال حاضر از مجموع ۲۳۰ فروند هواپیمای مسافری تنها ۱۶۰ فروند هواپیما قادر به پرواز در اختیار ایران قرار دارد. آنهم با متوسط سن ۲۳ سال و اکنون ناوگان هواپیمائی ایران در ردیف کهنه ترین ناوگان های مسافری جهان قرار دارد.
۳. به دلیل پائین بودن ضریب امنیت پرواز هواپیماهای مسافری ایران، و بدلیل کهنگی هواپیماهای ایران حق فرود در بسیاری از کشورها را ندارند. <از ۶۰ فرودگاه ایران تنها ۱۰ فرودگاه مشغول کار است> (وزیر راه).

اما قبل از شورش ۵۷

A. در مقام مقایسه آیا باید وضع امروز هواپیمائی جمهوری اسلامی را با مثلا کویت و عربستان و فرانسه مقایسه کرد و یا با قبل از شورش ۵۷ که هم از نظر مکان و هویت و مشخصات فرهنگی ملت ایران ابعاد هماهنگ دارند؟

البته که دائره مقایسه محدود نیست ولی اصالت در یک مقایسه رعایت خیلی چیزهاست که در مکان و زمان محدود دسترسی به آنها آسان و مقبول تر است.

**** در دانشنامه آزاد آمده است که:**

«در سالهای پایانی دهه هفتاد (یعنی قبل از شورش ۵۷) هواپیمائی ایران به عنوان روبه رشد ترین شرکت های هوایی جهان شناخته میشد و در عین حال یکی از ایمن ترین، مدرن ترین و پردرآمدترین شرکت های هوایی دنیا نیز بشمار میرفت، در سال ۱۳۵۵ هم پس از شرکت استرالیائی کوآنتاس، ایمن ترین شرکت هوایی جهان لقب گرفت تا پیش از شورش اسلامی تنها حادثه هما مربوط به سقوط یک فروند داگلاس دی سی این شرکت در سال ۱۳۳۱ میباشد.

در این سالها هما سعی داشت از موقعیت استراتژیک ایران بعنوان نقطه ای میان شرق و غرب عالم بنحو احسن استفاده کرده و ایران را به مرکز ترانزیت بار و مسافر جهان تبدیل کند.

(مستند ویکی پدیا)

قیاس مع الفارغ

جامعه شناس، با دریافت آگاهی هائیکه درباره هواپیمائی ایران بدست میآورد فقط میتواند به مقایسه وضع هواپیمائی ایران به قبل و بعد از شورش بپردازد و یا مشاهدات مختلف، نظرسنجی ها، آمارها و تحلیل ها و استفاده از روشهای دیگر به نتیجه گیری هم اگر بخواهد برسد و باز اگر مایل باشد به علت این سقوط هم رسیدگی کند؛ ولی نمیتواند هواپیمائی ایران امروز را با کشورهای دیگر جهان مقایسه کند این نوع مقایسه قیاس مع الفارغ و به کلامی دیگر مقایسه سطحی است.

واما بعد از بعد

این تحریر بجا میداند از آقای جامعه شناس به ملاحظه طرح موضوعی که در لایحه ایشان سوار نظرشان شده تشکر کند زیرا مفتوح توجهی است که بادامنه ای وسیع میتواند شناخت جامعه کنونی ایران امروز را به نقد و عقل نزدیک سازد، و بطور طبیعی بحث مقایسه ایران قبل و بعد از شورش را پیش بیاورد یعنی کاری که در ایران به ملاحظات حکومتی ممکن نیست، این مهم بر عهده ایرانیان خارج از کشور است که از آزادی های معمول برخوردارند قرارداد داده شده.

حقیقت این است که دایره شناخت جامعه ایران قبل از شورش ۵۷ و ایران امروز کار ساده و سهلی نیست و نیازه یک تحقیق مستند و جامع دارد. در رساله ای که در بهمن ماه سال ۱۳۵۹ از انتشارات سنگر در

لندن تحت عنوان «قضاوت» منتشر شد بخش کوچکی از آن رساله به دستاوردهای دوران قبل از شورش ۵۷ اشاره مستند شده است؛ ولی محدودیت اسناد تحقیق در آن زمان، و جو حاکم آنروز و از همه مهمتر موضوع رساله که بیشتر متمرکز بر اقدامات حقوقی جمهوری اسلامی بوده، این فرصت را نصیب رساله نساخت تا مجموعه بهتر و کاملتری از دستاوردهای دوران قبل از شورش در آن رساله پیاده شود. خاصه که اقدامات تخریبی جمهوری اسلامی در آن زمان نمایان نشده بود که بتوان با قراردادن آن ها درطبق مقایسه به نتایج بیشتری رسید.

بنابراین، این تحقیق نمیتواند در این مختصر بار این مهم را عهده دار بشود و از آنجا که در همین روزها ایران یار آقای (ک ر) در لایحه ای به برخی از دستاوردهای منفی جمهوری اسلامی اشاره کرده اند با اجازه ایشان توجه خوانندگان این تحریر را به آن لایحه که مستعد و مستند این تحریر هم هست جلب مینمایم.

بار منفی و بار مثبت

یکی از طرق تحلیل و شناخت جوامع در حالت مقایسه بین دو ایام و یا مستقلا از طریق بار منفی و بار مثبت است؛ مقصود این است که بجای آنکه یکایک دستاوردهای ایام مقایسه مورد نقد و آمارگیری قرار گیرد دستاوردهای مثبت یکجا و دستاوردهای منفی هم یکجا مورد مقایسه قرار میگیرد بدون اینکه نیاز به ورود و بحث و نقد و ارائه آمارها باشد.

بار مثبت - مقصود از بار مثبت دستاوردهائی است که بار اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی نصیب جامعه کند. آیا دستاوردی میتوان نشان داد که جمهوری اسلامی بانی آن بوده و دستاورد اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی نصیب جامعه شده باشد؟ مقصود از بار مثبت، باری است که حقوق مدون به آن عنوان دستاورد میدهد نه حقوق اسلامی زیرا تفاوت بین آنها بسیار است.

بار منفی - مقصود از بار منفی اقداماتی است که حاصل آن سلب اعتبار عمومی و زیان اقتصادی و افت اخلاقی جامعه باشد.

مهمترین دستاوردهای محسوس و معلوم و مشهور جمهوری اسلامی را میتوان در جدول زیر یافت:

فقر- بیکاری خاصه بیکاری جوانان تحصیل کرده- فرار مغزها به خارج - شکستن و سقوط قدرت خرید مردم خاصه در مقایسه با دوران قبل از شورش ۵۷- اعتیاد - رشد سریع اعتیاد بین دانش آموزان - قاچاق - از بین رفتن اعتبار بین المللی خاصه سقوط و وحشتناک اعتبار گذرنامه های ایرانی - فروش بچه - فحشاء - پائین آمدن سن فحشا - عقیم کردن زنان - گورخوابان - چپاول اموال عمومی- افول موقعیت اجتماعی خانم ها - ازدیاد طلاق - خودکشی- تعطیل کارخانجات - اسارت بازرگانی ایرانی به ملاحظه اجناس خارجی- قرارداد های نفت و گاز- دکل های گمشده نفتی - حقوق ایران در دریای مازندران، ذخائر گازی مورد اختلاف با هند - مشکل آب و هوای آلوده - مشکلات سنگین سیاسی بین المللی - مشکلات با همسایگان - تحریم ها - انزوای سیاسی- بدهی سنگین دولت به بخش خصوصی - محکومیت عدم

رعایت حقوق بشر- اتهام بین المللی تروریست بودن به ایران - اعلام دولت به ورود کشور به دوران رکود - ورشکستگی صندوق بازنشستگی- اوج فراگیر فساد، و امثال آنها، که ورود بهر یک از آن ها انبوهی از مشکلات و پیوند هارا مقابل جامعه شناس قرار میدهد.

تعلق به سرزمین

در لایحه آقای جامعه شناس دوباره مسئله وطن پرستی و تعلق به سرزمین اشاره شده است و عبارت < تا ناسیونالیسم عقلانی نداشته باشیم و به این سرزمین فکر نکنیم؛ هیچ تحولی درباره سرزمینمان بوجود نیاید > که منویات پنهان جامعه شناس را بازگو میکند.

این عبارت آقای جامعه شناس قشنگترین و حدی ترین و صادقانه ترین عبارتی است که در لایحه ایشان

آمده است و مفهوم صحیح و صریح آن این است که تا نظامی بر کشور ما حاکم است که در فلسفه آن

رژیم وطن و ملت و ناسیونالیست بی معنا و آخری هم فسق و گناه است، هیچ تحولی در سرزمین ما

ممکن نیست و اینجاست که جامعه شناس میرسد به این نقطه مطلوب که نظام قانونی و سنتی ایران

که دستاوردهای مشخص و ممتازی در عمر مشروطیت ایران برای ملت و ایران فراهم ساخته تنها وسیله

انحصاری و ممکن است که بتواند سرزمین ما را دوباره در مسیر تحولات و سازندگی و رفاه قرار دهد.



نوشته آقای یوسف اباذری:

بادرود

دنیا به سرعت در حال پیشرفت هست و ما با افتخار کردن به نیاکانمان وقتمان را هدر می دهیم. عده ای در ۱۴۰۰ سال پیش زندگی می کنیم و عده ای پا را فراتر گذاشته و در ۲۵۰۰ سال پیش زندگی می کنیم، و جالب اینجاست که این دو گروه دائم با هم سر ستیز داریم.

دائماً در حال مسخره کردن عرب ها هستیم و آنان را تنبل خطاب می کنیم، بدون اینکه پیشرفت های آنها را ببینیم. به راستی به معماری مدرن و زیبای شهرهای شان دقت کرده ایم؟ دائم در مجامع بین المللی در مقابل لابی های قدرتمند اعراب شکست می خوریم و از مدیریت جهانی صحبت می کنیم. امارات کوچک بخاطر داشتن سیستم حمل و نقل مناسب، هتل های مجهز، ورزشگاه های پیشرفته، در رقابت با ما میزبانی جام ملت ها را می گیرد و ما دائم از سازندگی، پیشرفت و بالندگی صحبت می کنیم. قطر را نمی گویم که بزرگترین رویداد جهان را میزبانی خواهد کرد.

اعراب بزرگترین شرکت های هواپیمایی جهان را دارند و ما دائماً در سوگ از دست دادن هموطنانمان بخاطر استفاده از هواپیماهای ۵۰ سال پیش هستیم. اغلب با نام های عربی خوانده می شویم، و هنوز هم برای فرزندانمان نام های عربی انتخاب می کنیم ولی از اینکه کسی خلیج فارس را خلیج عرب بخواند

برافروخته می‌شویم، این نهایت میهن‌پرستی ماست. و البته فقط برافروخته می‌شویم و کار خاصی هم نمی‌کنیم.

اعراب را بخاطر بادیه‌نشین بودن در قرن‌ها پیش مسخره می‌کنیم در حالی که همین امروز در قرن ۲۱ میلیون‌ها نفر از هموطن‌مان چادرنشین هستند، و ما فقط دل آنها را با یک سخن خوش می‌کنیم که آنها ذخایر مملکت‌اند و کاری برای اسکان‌شان نمی‌کنیم.

آری اعراب به سرعت در حال پیشرفت و آبادانی هستند و ما پز نیاکان‌مان را می‌دهیم. ای هوار که ما ۲۵۰۰ سال پیش از شما بهتر بوده‌ایم. اعراب با سرمایه‌گذاری خوب در قلب دنیا نفوذ می‌کنند و با درآمدهای میلیاردی آسایش را به مردم‌شان هدیه می‌دهند و ما وعده بهشت به مردم‌مان می‌دهیم؛ و به آنها می‌خندیم که دلارهای نفتی‌شان را هدر می‌دهند، به راستی ما با دلارهای نفتی‌مان چه می‌کنیم؟

آیا وقت آن نرسیده که ما هم به این نکته پی‌ببریم که زمان جنگیدن با شمشیر و کلاشینکف تمام شده است و برای پیروزی بر دشمنان باید در قلب‌ها نفوذ کرد؟

یکی از بزرگترین مشکلات ایران این است که در کشور ما احساس «تعلق به سرزمین» بسیار ضعیف است. یعنی ایران هنوز یک «کشور- ملت» نیست. در کشورهای پیشرفته‌ی دنیا، افراد تفکر خود را دارند، بعد در یک مدار بزرگتر به یک گروه تعلق دارند و در مدار بزرگتر از آن احساس تعلق به سرزمین دارند. شما اگر تاریخ غرب را بخوانید مقدم‌تر از دولت بخش خصوصی بوده و مقدم‌تر از بخش خصوصی اصل دیگری بوده است و آن ثروت و قدرت سرزمین بوده که خیلی اهمیت داشته است.

آلمان و ژاپن در تابستان ۱۹۴۵ بر اثر جنگ جهانی دوم هر کدام تنها یک کشور مخروبه بودند. اما به جز کسانی که آمریکایی‌ها بالاجبار از آلمان برداشتند و بردند، سندی دال بر مهاجرت آنها موجود نیست. این خیلی مهم است. بعد دیدیم که در عرض بیست تا سی سال کشور خود را اصلاح کردند و دومین و سومین قدرت اقتصادی جهانی شدند.

این‌که یک شهروند در جامعه ما به راحتی از ماشین‌آشغال بیرون می‌اندازد و تعریف از تمیزی خیابان‌های اروپا می‌کند، یک معنی تربیتی دارد، یک معنای عمیق دیگری هم دارد که به این سرزمین تعلق خاطر ندارد.

ما یک ناسیونالیسم احساسی داریم و یک ناسیونالیسم عقلایی؛

در ناسیونالیسم احساسی قوی هستیم، یعنی اینکه من غذا و موسیقی ایرانی دوست دارم، خانواده‌ام و زبان فارسی را دوست دارم، به فرهنگ دیرینه‌ام می‌بالم و... ولی یک قدم که بالاتر بیایم و ببینم حالا که من در این سرزمین به دنیا آمده‌ام، من چه مسئولیتی دارم؟ اینجا کم می‌ارم، اینجا سکوت می‌کنم؛ و این یعنی فقدان ناسیونالیسم عقلایی. بخاطر همین است که من و شما وقتی از یک اتاق می‌خواهیم بیرون برویم، چون همدیگر را می‌شناسیم، به هم احترام می‌گذاریم و کلی با هم تعارف می‌کنیم، ولی وقتی که در خیابان رانندگی می‌کنیم یک سانتیمتر اجازه نمی‌دهیم کسی از ما جلو بزند. چون هیچ احساس تعلق به همدیگر نداریم.

چرا هنر شنیدن یک ایرانی ضعیف است؟ چرا من اصرار دارم که حرف خودم درست است؟ چون من ایرانی در حلقه‌ی اول فردی و نهایتاً در حلقه‌ی دوم گروهی گیر کرده‌ام؛ آن حلقه‌ی مهم‌تر و سوم ملی که همه‌ی این‌ها را به هم ربط می‌دهد، وجود ندارد. کسی به من آموزش نداده که سرنوشت حلقه‌ی اول و حلقه‌ی دوم به حلقه‌ی سوم ربط دارد.

تا وقتی ناسیونالیسم عقلایی نداشته باشیم و به این سرزمین فکر نکنیم، هیچ تحولی در ما و سرزمین‌مان صورت نخواهد گرفت.

- بخشی از سخنرانی دکتر «یوسف اباذری»، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

=====

من سه سال در ژاپن زندگی کرده‌ام، به چشم خود دیدم مردم ژاپن تنها سه یا خیلی طولانی به مسافرت میرفتند ۵ روز بود و مسافرت‌های یک هفته و ده روز در بین بیشترین شمار مردم ژاپن رسم نبود. توجه مرا جلب کرد از چند تن کارمند و کارگر پرسیدم. از یک آقای که باز نشسته شده بود و حقوق باز نشستگی خوبی هم داشت ولی هنوز برای یک سازمانی کار میکرد پرسیدم همه پاسخ‌ها یکسان بود گفتند:

در پی جنگ دوم و بمب اتمی **امپراتور** فرمان داد، ما برای سازندگی کشور در تلاش هستیم و نمیتوانیم اقتصاد و کشور را منتظر بازگشت شما از سفرهای تفریحی بکنیم؛ اگر مرخصی شما درازتر از سه یا پنج روز بشود ما کس دیگری را جایگزین میکنیم؛ کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و اداره‌ها بایستی تمام وقت کار کنند. این است که چون فرمان دیگری برای لغو این دستور از امپراتور نرسیده مردم همچنان با آن فرمان رفتار میکنند. یک ژاپنی برای سازوبرگ کشورش کار میکند نه برای خودش. این است که در ۷۰ سال آنان به کجا رسیدند و ایران به کجا رفته است.

بیدار شدید؟؟ شیپور بزنیم؟؟ طبل بزنیم...

ح-ک